

"بسم الله الرحمن الرحيم"

گزارش نشست «روایت اقتدار؛ مروری بر ابعاد گوناگون جنگ تحمیلی ۱۲ روزه»

نشست «روایت اقتدار؛ مروری بر ابعاد گوناگون جنگ تحمیلی ۱۲ روزه» با همکاری معاونت کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت گرامی داشت یاد و خاطره شهید مهندس مجید جواهری در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در تاریخ یکشنبه، ۳۱ خردادماه ۱۴۰۵ ساعت ۱۰ تا ۱۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به صورت حضوری و برخط برگزار شد. سخنرانان این نشست دکتر سیدمحمد رحیم ربانی زاده رییس پژوهشکده تاریخ ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر حمیدرضا اکبری هیات علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بودند.

در آغاز نشست دکتر سیدمحمد رضا امیری طهرانی، سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به مناسبت نخستین سالگرد شهادت مهندس مجید جواهری از همکاران این پژوهشگاه پیامی به شرح زیر صادر کرد:

بسم ربّ الشهداء و الصّديقين

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)

«گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگار خویش روزی داده می شوند.»

رهبر شهید و عظیم‌الشان فرمودند « همه ما باید در دفاع از نظام اسلامی و ایران عزیز، با هم، در کنار هم و یک‌صدا باشیم » .

شهادت، عالی‌ترین مرتبه ایثار و فداکاری و اوج بندگی در پیشگاه پروردگار متعال است؛ مقامی که تنها نصیب بندگان مخلص و وارسته خداوند می‌شود.

اکنون، در نخستین سالگرد عروج آسمانی همکار ارجمند و فرهیخته، شهید والامقام مهندس مجید جواهری، با اندوهی عمیق و افتخاری ماندگار، یاد و خاطره آن عزیز سفرکرده را گرامی می‌داریم. آن شهید بزرگوار در جریان جنگ ۱۲ روزه و در منزل مسکونی خود، در نهایت مظلومیت به مقام رفیع شهادت نائل آمد و نام خویش را در دفتر زرین ایثار، مقاومت و فداکاری این سرزمین جاودانه ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فقدان این انسان شریف، متعهد، پرتلاش و خوش اخلاق را ضایعه‌ای بزرگ برای خانواده پژوهشگاه و جامعه علمی و فرهنگی کشور می‌داند. بی‌گمان، منش انسانی، تعهد حرفه‌ای، اخلاق نیکو و خدمات ارزشمند آن شهید عزیز، همواره در یاد و خاطره همکاران، دوستان و تمامی آشنایان ایشان باقی خواهد ماند و الگویی الهام‌بخش برای نسل‌های آینده خواهد بود.

در سالروز شهادت این عزیز بزرگوار، ضمن ادای احترام به مقام شامخ رهبر شهید، شهدای گران قدر میهن اسلامی و این شهید والامقام، مراتب همدردی، ارادت و قدردانی خود را به خانواده معزز ایشان، به‌ویژه همسر فداکار، فرزند دلبند و خواهر گران قدر آن شهید عزیز ابراز می‌داریم. بی‌تردید، صبر و استقامت خانواده معظم ایشان در تحمل این مصیبت بزرگ، جلوه‌ای از ایمان، ایثار و بزرگواری است که شایسته تجلیل و تکریم فراوان است.

از درگاه خداوند متعال، برای شهید والامقام مهندس مجید جواهری، علو درجات، همنشینی با حضرت سیدالشهدا (ع) و اولیای الهی و برای بازماندگان محترم ایشان، سلامتی، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم.

روحش شاد، یادش گرامی و راهش پُررهرو باد.

پس از قرائت پیام ریاست پژوهشگاه ه، دکتر حمید رضا اکبری هیات علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق بحث خود را با طرح این پرسش که چرا اسرائیل در سال ۱۴۰۴ به این جمع‌بندی رسید که زمان رویارویی مستقیم با ایران فرا رسیده است ؟، آغاز نمود و گفت : در پاسخ به این پرسش می‌توان سه تغییر موازنه را مطرح کرد:

۱- تغییر موازنه ژئوپلیتیکی: سوریه، لبنان، کریدور مقاومت

۲- تغییر موازنه نظامی و فناورانه: پدافند، موشک‌ها، اطلاعات، سایبر

۳- تغییر موازنه ادراکی و روانی: برداشت اسرائیل از تضعیف بازدارندگی ایران

عضو هیات علمی پژوهشگاه ادامه داد : جنگ ۱۲ روزه نقطه اوج یک فرایند فرسایشی بود که از عملیات ۷ اکتبر آغاز شد و به تدریج موازنه قدرت، ادراکات امنیتی و محاسبات راهبردی بازیگران اصلی منطقه را دگرگون کرد. در مرحله نخست، عملیات ۷ اکتبر ضربه‌ای بی‌سابقه به بازدارندگی و اعتبار امنیتی اسرائیل وارد کرد. تل‌آویو به این جمع‌بندی رسید که بدون تضعیف شبکه منطقه ای متحدان ایران، امکان بازسازی بازدارندگی از دست رفته وجود ندارد. از این رو، جنگ غزه به تدریج به یک کارزار منطقه ای علیه محور مقاومت می‌نامید، تبدیل شد. در مرحله بعد، حزب‌الله لبنان، برخی گروه‌های مقاومت عراقی، انصارالله یمن و سایر بازیگران همسو با ایران وارد یک جنگ فرسایشی چندجبهه ای شدند. اگرچه این بازیگران توانستند هزینه‌هایی بر اسرائیل تحمیل کنند، اما در مجموع طی ماه‌های بعد، بخش مهمی از ظرفیت‌های عملیاتی، فرماندهی و لجستیکی آنان تحت فشار شدید قرار گرفت . ترور فرماندهان ارشد، تخریب زیرساخت‌ها و فرسایش توان رزمی موجب شد بخشی از قدرت بازدارندگی شبکه‌ای ایران در منطقه آسیب ببیند. در مرحله سوم، ایران با مجموعه عملیات‌های وعده صادق تلاش کرد ضمن پاسخ به اقدامات اسرائیل، اعتبار بازدارندگی خود را حفظ کند. اهمیت این عملیات‌ها بیش از نتایج تاکتیکی آنها، در شکسته شدن یکی از خطوط قرمز تاریخی منطقه بود. زیرا برای نخستین بار ایران به صورت مستقیم و آشکار علیه اسرائیل اقدام نظامی کرد. با این حال از نگاه تصمیم‌گیران اسرائیلی، این حملات نشان داد که بخش مهمی از توان موشکی و پهپادی

ایران قابل رهگیری و مدیریت است و امکان شکل دهی به یک سامانه دفاعی منطقه ای با مشارکت آمریکا و برخی کشورهای عربی وجود دارد. در مرحله چهارم، سقوط حکومت بشار اسد و تغییر وضعیت ژئوپلیتیکی سوریه، یکی از مهم ترین تحولات راهبردی منطقه را رقم زد. سوریه طی دهه های گذشته مهم ترین حلقه اتصال جغرافیایی میان ایران، عراق، لبنان و مدیترانه محسوب می شد. تضعیف یا از دست رفتن این حلقه، به معنای کاهش عمق راهبردی ایران در شامات و دشوارتر شدن پشتیبانی از متحدان منطقه ای بود. از نگاه اسرائیل، این تحول فرصت کم نظیری برای تغییر موازنه منطقه ای فراهم کرد.

ایشان همچنین افزود: همزمان، اسرائیل به تدریج به این جمع بندی رسید که شرایط راهبردی برای اعمال فشار مستقیم بر ایران نسبت به سال های گذشته مساعدتر شده است. از یک سو شبکه متحدان منطقه ای ایران با فرسایش قابل توجهی مواجه شده بود و از سوی دیگر تحولات سوریه دسترسی ژئوپلیتیکی ایران به مدیترانه را محدودتر کرده بود و دسترسی اسرائیل به ایران را آسانتر کرد. در بعد فناوری و اطلاعاتی نیز اسرائیل اعتماد بیشتری به توان نفوذ، شناسایی، عملیات سایبری و برتری اطلاعاتی خود پیدا کرده بود.

دکتر اکبری در پایان بحث خود گفت: در مجموع، جنگ ۱۲ روزه را می توان محصول یک ادراک راهبردی در اسرائیل دانست که بر اساس آن تصور می شد ایران و شبکه متحدانش نسبت به سال های گذشته در موقعیت آسیب پذیرتری قرار گرفته اند و فرصت مناسبی برای تغییر قواعد بازی منطقه ای فراهم شده است.

سخنران بعدی این نشست دکتر سید محمدرحیم ربانی زاده رئیس پژوهشکده تاریخ ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. ایشان با اشاره به تاسی از قیام حضرت اباعبدالله حسین (ع) گفت: دلیل صحبت از امام حسین در اینجا اینست که ما شیعیان ظلم فاحشی در حق امام حسین (ع) روا داشتیم. مراسم و روضه های متعدد برگزار می کنیم. لباس سیاه می پوشیم. ولی اندیشه و تفکر امام حسین در جامعه ما مغفول مانده است. یکی از شعارهایی که بنی امیه پس از شهادت امام حسین رایج کرد، مسئله تقدیر و جبر در جامعه بود. مبنی بر اینکه خواست خداوند بر این بوده که امام حسین (ع) کشته شود و ما هیچ نقشی در این ظلم و جنایت نداشتیم و ناگفته نماند ما هم آن را رواج دادیم.

دکتر ربانی‌زاده ادامه داد: لازم است به چند نکته در مورد امام حسین (ع) اشاره کنم. معاویه در سفری که به حجاز داشت تلاش م ضاعف کرد تا بیعت یزید را از امام حسین اخذ کند . در نامه‌هایی که رد و بدل شد معاویه ناامید به شام برگشت و به یزید وصیت کرد که چهار نفر ادعای خلافت دارند: ۱- عبدالله بن عمر ۲- عبدالرحمن بن ابوبکر ۳- حسین بن علی ۴- عبدالله بن زبیر. این چهار نفر هم شایستگی خلافت دارند و هم می‌توانند برای شما ایجاد مزاحمت کنند. عبدالله بن عمر ظاهر مسلک است و احتمالا خط و مشی نشان ندهد. عبدالرحمن بن ابوبکر به تعبیری در این قد قواره نیست که بخواهد برای یزید ایجاد مزاحمت کند. اما توصیه موکد کرد با حسین بن علی کنار بیاید . به یزید گفت حسین ابن علی نوهی پیامبر(ص) و فرزند علی بن ابی طالب(ع) است. اصل و نسب درستی دارد و از طایفه و قبیله‌ی بنی‌هاشم است. تا آنجا که می‌توانی با ایشان مدارا کن. اما در مورد نفر چهارم ابن زبیر گفت ابن زبیر مانند روباهی می‌ماند که هر لحظه منتظر است تا شکارش را بگیرد. اگر ابن زبیر را در جنگ اسیر کردی هرگز به او رحم نکن. اما یزید خلاف وصیت معاویه عمل کرد. وقتی امام حسین شرایط را در حجاز نا امن دید با توجه به نامه های زیادی که کوفیان نوشته بودند رهسپار کوفه شد.

عضو هیات علمی پژوهشگاه ادامه داد: اگر بخواهم نگاه امام حسین(ع) به مذاکره را بگویم، اولین اتفاق میان امام حسین و حر بن یزید ریاحی فرمانده سپاه عبیداله کسی که ماموریت داشت امام حسین را بگیرد، افتاد و آن این بود که حر و سپاهش به امام حسین اقتدا می‌کنند. امام حسین می‌گوید مردم از من دعوت کردند تا امام آنها باشم و خلافت را بر عهده بگیرم . حر در پاسخ می‌گوید من نه نامه‌ای نوشتم و نه از این نامه‌ها خبردارم. امام گفتند اگر مردم دعوت نکرده‌اند من به حجاز باز نمی‌گردم. حر اشاره می‌کند که من مامور هشتم که شما را نگه دارم. اما چه اتفاقی می‌افتد که بعد از ۶۰ سال فردی به عنوان نوه پیغمبر و فرد دیگر به عنوان فرزند صحابی معروف پیامبر می‌خواهند مقابل هم بجنگند. ابن سعد نمی‌خواست دستش به خون نوه پیامبر آلوده شود. چون می‌دانست اگر اینکار را بکند تاریخ از او نخواهد گذشت. حر به امام حسین پیشنهاد می‌دهد حال که احتمال جنگ است ما پیش دستی کنیم و جنگ را آغاز کنیم. به روایت منابع تاریخی امام حسین(ع) فرمودند من نمی‌خواهم آغازگر هیچ جنگی باشم . نکته بعدی این است که امام

حسین پیکری برای عمر ابن سعد می فرستد و به او پیشنهاد می ده ند، حال که کوفیان تمایل به بیعت با من نیستند، حومه کوفه را ترک و باز می گردند. در آنجا ابن زیاد گفت این پیشنهاد خیر خواهانه ای است. در اینجا می بینیم امام حسین تمایل به رها کردن جنگ دارد. شمر بن ذی الجوشن به عبید الله بن زیاد می گوید اکنون که او گرفتار شده صحنه جنگ را از دست ندهیم. در آنجا نظر عبید الله بن زیاد تغییر می کند و طی نامه ای به شمر بن ذی الجوشن می گوید به امام حسین حمله و کار را یکسره کنید.

دکتر ربانی زاده در ادامه این روایت تاریخی افزود: زمانی که به منابع تاریخی رجوع می کنیم، روح مذاکره را در نامه ها و صحبت های امام (ع) مشاهده می کنیم. امام اهل گفتگو و مذاکره بود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: به باورها و اعتقادات دیگران توهین نکنید و به سمت اخوت و برادری اسلامی بروید. نظرم این است که در پژوهشگاه به سمتی پیش برویم تا به عنوان یک الگوی دانشگاهی مطرح شویم. یکی از قوی ترین و اولین مذاکره کننده های تاریخ بشر حضرت محمد (ص) است. آخرین نکته بحث اینست که در جریان فتح مکه عباس به پیامبر گفت ابوسفیان دنبال رسم و نشان است. می خواهد دیده شود. لذا به تعبیر من، در این دوران نیز ترامپ می خواهد دیده شود و از او تعریف و تمجید شود.

در پایان ایشان افزود: وقتی پیامبر وارد مکه شدند سه شرط گذاشتند؛ منزل ابوسفیان را هم شأن خانه خدا قرار دادند و گفتند هر کس که به خانه خدا پناه ببرد، در امان است. بنابراین هر کسی که به خانه ابوسفیان نیز پناه ببرد، در امان خواهد ماند. دلیل این شرط چه بود؟ چون پس از فتح مکه، مانع درگیری ها شود. پیامبر از راه دل ها وارد مکه شدند. نکته بعدی تدبیر پیامبر در حکومت داری است. وقتی مکه را فتح کردند یکی از افراد بنی امیه را حاکم مکه قرار دادند و اجازه ندادند قتل و خونریزی اتفاق بیفتد. بنظرم این دو الگو در امور جامعه امروز ما می تواند موثر باشد.